

## جواب شبهه آیت الله موسوی بجنوردی در مورد تعدد زوجات

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا و مولانا محمد و  
آله الطيبين سيما الحجة بن الحسن -عجل الله فرجه الشريف-

خداوند متعال در عصر جاهليت جديد آنگاه كه غربيان در منجلا ب فرهنگ  
ليبراليسم دم از آزادي و حقوق انسان ها مي زدند و شرقيان در خفقان  
استبداد دم از عدالت و برابري، و آن هنگام كه مسلمانان نا اميد و شيعيان  
ساکت و علما خاموش بودند؛ نوري از تبار آل رسول، تجسم اسلام ناب، قيام  
کرد و حقيقت اسلام را بر جهانيان روشن ساخت و مکاتب شرق و غرب را  
رسوا نمود.

مسلمانان حقيقت جو بيدار گشته و شيعيان راستين خروشان شدند و جهان  
خواران شرق و غرب هراسان و با کمک دشمنان داخلي در پي شکست هاي  
مفتضحانه گذشته، سعی در نابود کردن اين قيام الهی کردند.

وظيفه قطعی علمای اسلام و حوزه های علميه، دفاع و پاسخ علمی و حفظ  
شريعت مقدسه است به همين سبب دفع شبهات و رفع ابهامات و جلوگیری  
از کج فهمی ها و اعمال سلیقه ها در دين خداوند، واجب و ضروری است.

## علل و فلسفه عقلایی تعدد زوجات

ما معتقدیم که انسان با عقل خود هرگز فلسفه احکام را نمی یابد ولی می تواند به صورت محدود برخی از فوائد را درک نماید.

قران کریم برای جلوگیری از فحشاء و بی عفتی و نجات انسان ها از بد بختی در دنیا و آخرت، قوانینی مانند الزام به حجاب شرعی و مجازات زنا کاران و ترویج ازدواج و توجه جدی به تقوای الهی و استعفاف را بیان نموده است. همچنین برای برطرف شدن نیاز های طبیعی انسان ها و برای آن که هیچ زنی بدون شوهر نباشد مسئله تعدد زوجات مطرح شده است زیرا در جامعه بشری مشکلاتی وجود دارد که ناگزیر به تعدد زوجات هستیم :

۱- به علت حوادث و جنگ ها تعداد مردان در جامعه نسبت به زنان کاهش می یابد و تعدادی از بانوان همسرانشان را از دست می دهند.

۲- زنان برای تولید مثل و ادامه بقای نسل بشر از ده تا پنجاه سالگی توانایی دارند، ولی مردان از پانزده سالگی تا هفتاد و پنج سالگی و حتی پس از آن توانایی دارند.

۳- زنان در هر ماه در یک دوره چند روزه از نظر جسمانی و طبیعی باید مشکلاتی را تحمل کنند و مردان چنین نیستند.

۴- دوره بارداری و شیر دادن برای زنان مطرح می باشد و ایجاد محدودیت می نماید.

۵- نیازهای جنسی نباید بیرون از قانون و خانواده رفع شود.

بنابراین اگر بخواهیم جامعه ای سالم و با تقوا داشته باشیم، نه متظاهر و ریا کار، چاره ای نیست جز آن که تعدد زوجات با رعایت شرایط، مجاز شمرده شود اگرچه جواز به معنای محبوب بودن آن نزد خداوند متعال نیست بلکه برای جلوگیری از عوارض فحشاء است مانند طلاق که محبوب نیست ولی در مواقع خاص چاره ای جز آن نیست.

بله در شرایط عادی جامعه بسیار پسندیده است که به یک همسر نیک سیرت بسنده شود ولی باید توجه داشت طبع همه مردان یکسان نیست و زنان زودتر در زندگی پیر و شکسته می شوند و جامعه هم همیشه خالی از جنگ و حوادث نیست و این رسم جاهلی است که زنانی که شوهرانشان را از دست می دهند باید تا پایان عمر از داشتن همسر محروم باشند ما باید آثار واقعی تک همسری در جوامع غربی و حمایت غیر عاقلانه نسبت به زنان را در آن جا بررسی نماییم در حالی که در عمل، مردان هوس باز و شهوت پرست، زنان را بازیچه خود قرار داده و با ترویج فحشاء بدون آن که مسولیتی را بپذیرند مشغول عیاشی هستند و از طرف دیگر با نابودی خانواده و کاهش نسل و افزایش فرزندان نامشروع و سقط جنین (نه فقط زنده به گور کردن دختران) مواجه هستیم این بلاهای عجیب سبب می شود که ما نسبت به

عقد دائم محدود و عقد موقت توجه و عنایت کنیم؛ این در حالی است که اسلام با تعدد زوجات با شرایط آن و ازدواج موقت با مسئولیت های کمتر برای طرفین، زمینه را برای جامعه ای سالم فراهم می نماید و آثار مفید آن حفظ خانواده و حفظ جوانانی است که نمی توانند به صورت دائم ازدواج کنند و حفظ زنانی است که بی سرپرست هستند.

دیدگاه شریعت اسلامی درباره جواز تعدد زوجات

حقیقت این است که ضروریات [۱] و مسلمات دینی محل بحث و تحقیق فقهاء قرار نمی گیرد و از آن جا که نصوص قرآن در بیان احکامش نیاز به تفسیر و تبیین ندارد و سیره معصومان و عمل اصحاب و سیره عملی تمامی مسلمانان جایی برای بحث نمی گذارد و از آن جا که حلال و حرام پیامبر اسلام -صلی الله علیه و آله- تا قیامت ثابت است **بنابراین اجتهاد در برابر نص باطل و مردود است.**

با وجود این ناگزیر از طرح چند سوال هستیم

۱- آیا مجتهد می تواند با ضروریات اسلام و مسلمات آن مخالفت کند؟

۲- آیا مجتهد می تواند در برابر نص صریح قرآن و سنت معصومان فتوای مخالف بدهد و حکم خداوند را نپذیرد؟

۳- آیا اجتهاد سلیقه ای و بر اساس عقیده شخصی استوار است و می توان شریعت را بنا بر خواست مردم و به دست آوردن مقبولیت، تفسیر نمود؟

توصیه مهم: وظیفه علمای اسلام ساختن مردم بر اساس دین خداست نه ساختن دین خدا بر اساس درخواست مردم

چندی پیش در یکی از روز نامه ها و در فضای مجازی مصاحبه ای از حضرت آیت الله موسوی بجنوردی به عنوان «همسر دوم شبهه شرعی دارد» منتشر شد که برای روشن شدن افکار عمومی آن را نقد و بررسی می نمایم

متن ۱ : *قباله های ۱۲ شرطی ازدواج را من درست کردم یکی از آن شروط را از قانون انگلستان-امریکا گرفتیم آن هم مبنی بر این که اگر مردی زنش را طلاق داد باید نصف دارایی خود را به زن بدهد. در اروپا این طور است که اگر زن طلاق داد، زن باید نصف دارایی خود را به مرد بدهد و اگر هم مرد طلاق دهد او باید نصف دارایی اش را به زن بدهد؛ که ما آمدم تنها بخش دوم را گرفتیم یعنی اگر مردی زن خود را بدون عذر موجهی طلاق داد باید نصف دارایی خود را که در زمان زناشویی تحصیل کرده است، به زن بدهد.*

نقد ۱ : همان طور که می دانید در مسیحیت مرد حق ندارد زن خود را اگرچه بد اخلاق یا حتی زنا کار باشد طلاق دهد و زن و مرد باید تا آخر عمر هرچند همسر فاسد الاخلاق باشد با یکدیگر زندگی کنند و مرد وزن تحت هیچ شرایطی حق طلاق ندارند.

عقلای آن جامعه برای رهایی از این قانون با بهره گرفتن از برخی قوانین اسلام، طلاق را جائز شمردند، و چون در نظام خانوادگی آن ها زن مهریه ندارد و واجب النفقه مرد نیست و بار هزینه زندگی به صورت مساوی بر دوش زن و شوهر می باشد، بر این اساس در زمان طلاق به این راه حل عقلایی رسیدند که ثروت حاصل از زندگی مشترک بین زن و شوهر به صورت مساوی تقسیم شود.

اولاً در دین مقدس اسلام و قوانین نظام خانوادگی آن

۱- مهریه واجب و در عقد دائم هزینه زندگی زن بر عهده شوهر است  
۲- پرداخت مهریه (هر مقدار که باشد) واجب است (حتی پس از فوت اول باید مهریه جدا شده و به زن پرداخت شود و پس از آن بقیه اموال بین ورثه تقسیم شود)

۳- طلاق در اختیار مرد است

۴- زن می تواند در زمان عقد، وکالت در توکیل از شوهر گرفته خود را طلاق دهد

۵- مرد و زن می توانند از طلاق خلعی و مبارات استفاده کنند

۶- طلاق از مغضوب ترین حلال ها شمردن شده (این مطلب نشان می دهد که الزاماً هر حلال و امر جائزی محبوب خداوند نیست)

ثانیاً شرم آور است که ما آنچه خود داریم از بیگانه تمنا کنیم، الاسلام یعلو و لا یعلی علیه، اسلام از هرچیزی بالاتر است و هیچ چیز بالاتر از اسلام نیست ما نیازی نداریم از قوانین انگلستان و غیره استفاده کنیم.

ثالثاً آن ها به صورت عقلایی بر اساس اشتراک اقتصادی زن و شوهر در خانواده، مقرر کرده اند که نصف دارایی مشترک را بردارند اما حضرات می فرمایند ما آن را یک طرفه و به نفع زن، قانون وضع کردیم؛ خوب **شما ظلم آشکاری را بر شوهران تحمیل کرده اید** زیرا

۱- شوهر در اسلام باید مهریه پرداخت کند که در غرب قانون مهریه نیست.

۲- شوهر باید هزینه همسر را (حتی پس از طلاق در زمان عده) پرداخت کند در صورتی که در غرب هزینه به صورت مساوی برعهده زن و شوهر است.

سوال این است که آیا شما حق دارید اموری را به صورت خودسرانه به شریعت و مردم تحمیل کنید؟

بر اساس کدام دلیل شرعی شما می توانید از قوانین عقلایی غرب آن هم به صورت ناقص و ظالمانه، اقتباس کنید؟

متن ۲ : ما در جواب گفتیم هدف ما از این کار ابتدا کاهش آمار طلاق است

نقد ۲ : اولاً برای کاهش طلاق نمی توان قوانین ظالمانه وضع کرد

ثانیاً مسئله طلاق امر پیچیده ای است و نیاز به تحقیق و شناخت تمام عوامل متعدد آن دارد

ثالثاً نمی توان برای همه موارد طلاق یک نسخه تجویز نمود

رابعاً تحقیقات علمی متخصصان نشان می دهد دو عامل اصلی طلاق: الف) اقتصادی است مانند عدم اشتغال جوانان ب) فرهنگی است مانند آشنایی های غیر شرعی پسران و دختران قبل از ازدواج

اما آنچه مسلم است تقویت ایمان و اخلاق و صبر و تحمل و دوری از خودخواهی و خودپرستی و گسترش روحیه گذشت و فداکاری، موثر است و مطابق دستور قرآن مشورت و حکم قرار دادن دو نفر از طرف زن و شوهر که افرادی آگاه، صالح و دلسوز هستند، می تواند خانواده را قوام بخشد و اختلافات را برطرف کند تا منجر به طلاق نشود همچنین مسئولان نهاد های فرهنگی و ... می توانند مردم را در این زمینه یاری دهند.

متن ۳ : دوم این که زن خانه بعد از چند سال زندگی اگر طلاق بگیرد، باید جایی برای زندگی داشته باشد

نقد ۳ : خرج که از کیسه مهمان بود - حاتم طایی شدن آسان بود. باید به این تدبیر حکیمانه حضرات آفرین گفت!

اگر بنا بر فرض، زن مطلقه مشکلات اقتصادی داشت یا خانه نداشت این مسولیت هزینه به عهده کیست؟

زیرا در نظام اقتصاد خانوادگی اسلام زن می تواند تمام ثروتی را که بدست آورده در منزل هزینه نکند، نه مانند دنیای غرب که باید نصف هزینه را پرداخت کند.

البته بسیار خوب است که دولت با قوانین بیمه ای خود، چنین زنان یا مردان یا فرزندان را سرپرستی کند؛ اما چرا باید یک جوانی که با زحمت توانسته است با هزینه بالا ازدواج کند و خودش هم پس از سال ها هنوز خانه ندارد و با قبول مهریه و نفقه و مخارج عروسی، پس از آن که در ازدواج به دلیلی هر چند ناخوشایند منجر به طلاق شده است، بر او هزینه مضاعفی تحمیل شود و برای همسری که از دست داده، خانه تهیه کند یا نفقه بدهد؟!

آیا این مرد نباید نفقه فرزندان را بدهد؟ آیا نباید برای ازدواج مجدد هزینه مهریه و نفقه پرداخت کند؟ پرداخت این همه هزینه بر اساس این تدبیر به قول خودتان عقلایی، سبب می شود که هیچ جوانی هرگز به طرف ازدواج و قبول چنین مسئولیت های سنگینی نرود، به این ترتیب و با این دوستی خاله خرسه نه تنها به نفع زن و خانواده کاری نکردیم بلکه خانواده را نابود می کنیم و بجای ازدواج، باب رفاقت و فحشاء باز شده و رونق می گیرد و هرکس می تواند ثمره این تدبیر را در مقایسه سال های اول انقلاب با امروز ببیند. بعلاوه وقتی اسلام وظیفه ای را معین می کند یک امتیازی را به طرف می دهد، زیرا

حقوق و وظایف در اسلام به صورت متقابل است، وقتی شما چنین هزینه ای را بر شوهر تحمیل می کنید چه حق و امتیازی به او می دهید؟!

بله صحیح است که اگر ضرورتی باشد حاکم (قوه مقننه) می تواند اضطراراً قوانین و احکام ثانویه وضع کند اما این امر به معنای نابود کردن احکام اولیه نیست و این گونه قوانین در زمان محدود و شرایط خاص اجرا می شود و پس از رفع ضرورت باید به قوانین اولیه بازگشت نمود. اگر قرار است که جامعه با عقل بشری اداره شود نیازی به ارسال پیامبران و انزال کتب نبود، در صورتی که ملت ایران قیام کردند تا قوانین الهی در کشور پیاده شود نه آن که عقول بشری برایشان تدبیر کنند.

متن ۴ : مجلس قصد تصویب قانونی را داشت که با توجه به آن مرد برای ازدواج دوم، دیگر نیازه اجازه همسر اول نداشت. من شدیداً با این قانون مخالفت کردم و گفتم این کار برای همسر اول مصداق شکنجه است و شبهه شرعی هم دارد. قرآن می فرماید: در صورت برقراری عدالت می توانید همسر دیگری اختیار کنید. حال من از شما می پرسم مرد پنجاه ساله ای که زن بیست ساله می گیرد، می تواند بین این دو عدالت برقرار کند؟

نقد ۴ : اولاً شرعاً مرد برای ازدواج دوم تا چهارم در عقد دائم و ازدواج در عقد غیر دائم و ابتیاع کنیز، نیاز به اجازه همسران قبلی ندارد و این نص قرآن کریم و ضروری دین است.

ثانیاً دلیل مطرح شده در این مصاحبه بقدری سخیف است که قلم از نقدش شرمسار است؛ زیرا اگر این قاعده صحیح باشد که هر کس به دلخواه برای قوانین اسلام مصداق شکنجه پیدا کند و بگوید شبهه شرعی دارد، چه اتفاقی برای شریعت محمدی خواهد افتاد؟ مثلاً کسی بگوید پرداخت خمس به نظر من مصداق شکنجه است و شبهه شرعی دارد؛ زیرا برای بعضی افراد پول به جانشان بسته است، پس هرکس در باب جهاد، نماز، روزه، حج و ... همین استدلال را می تواند بیان کند.

ثالثاً گوینده اعتراف ضمنی می کند که در صورت برقراری «عدالت» شوهر می تواند تا چهار همسر بگیرد.

رابعاً مراد از «عدالت» چیست؟ این عدالت، عدالت ظاهری و در محدوده وظایف شوهر است یعنی در پرداخت نفقه و غیره مساوات را رعایت کند. اگر مقصود از عدالت، غیر از این باشد و اجرای عدالت امری غیر ممکن باشد یا شرط قابل احراز برای عموم مردم نباشد، جواز نکاح چهار همسر لغو خواهد بود در حالی که خداوند متعال حکیم است و کار لغو انجام نمی دهد. پس به هر صورت مراد از عدالت، تساوی در عواطف و محبت نیست؛ همچنان که پیامبر اسلام -صلی الله علیه و آله- و امامان معصوم -علیهم السلام- با وجود آن که عدالتشان در حد عصمت کبری بود، محبتشان نسبت به همسرانشان متفاوت بوده است.

خامساً زنان مکلفند که بر اساس معارف و اخلاق اسلامی، بر حسادت و غیرت زنانه خود لجام زنند، زیرا می دانیم که بعضی از زنان پیامبر و امامان معصوم به علت همین حسادت های زنانه موجب رنجش پیامبر و شهادت دو امام معصوم شدند و در عین حال این مصداق های شکنجه برای آن زنان موجب نشد آن بزرگواران الهی، جواز تعدد زوجات را لغو کنند و همسران و کنیزان متعدد داشتند که فهرست آن هارا در آخر این نوشته آوردیم. البته این را هم باید گفت که مردان هم نباید بنای زندگی خود را بر هوس قراردهند و به صرف اجازه تعدد زوجات بر اسب هوس سوار شده به هر سو بتازند و سیره تک همسری حضرت رسول اکرم -صلی الله علیه و آله- و حضرت امیر المومنین -علیه السلام- در زمان حیات همسر اولشان را ندیده انگارند زیرا آن بزرگواران در موقعیت های خاص و برای اصلاح امور همسرانی را اختیار کرده اند که توضیح آن را به اختصار بیان خواهیم کرد.

متن ۵ : ببینید ما وقتی که از حقوق زن در اسلام سخن می گوئیم حرف های جدی داریم. من معتقدم که هیچ مردی نمی تواند دوتا زن بگیرد. این تعدد زوجات برای سرپرستان یتیمان است. قرآن می فرماید: « شما سرپرستان یتیمان مبادا کالای خوب را برای خودتان بردارید و کالای بد را برای یتیمان بگذارید.» و در ادامه نیز می فرماید: «ای سرپرستان یتیمان اگر خوف خدا دارید و می ترسید از اینکه (به هنگام ازدواج با دختران یتیم) عدالت را رعایت نکنید (از ازدواج با آنان چشم پوشی کنید) و با زنان پاک (دیگر) ازدواج

نمایید دو یا سه یا چهار همسر و اگر می‌ترسید عدالت را (درباره همسران متعدد) رعایت نکنید تنها یک همسر بگیرید»

نقد ۵ : جمله «من معتقدم که هیچ مردی نمی‌تواند دوتا زن بگیرد» نشان می‌دهد که بنا به فرمایش حضرت امیر -علیه السلام- افراد را باید از فتات اللسان شناخت. «من معتقدم» یعنی چه؟ اعتقاد افراد در احکام ملاک نیست، زیرا فقیه وظیفه اش بیان عقیده و سلیقه شخصی اش نیست و باید با نهایت تقوا و دقت عقلی و عملی، حکم الهی را کشف کند همچنین با توجه به جمله «این تعدد زوجات برای سرپرستان یتیمان است» در کلام ایشان تناقض وجود دارد زیرا در منطق می‌گویند جمله سالبه کلیه با موجهه جزیه متناقض است

(۱) هیچ مردی نمی‌تواند دوتا زن بگیرد (عقیده مصاحبه شونده)

(۲) بعضی مردها می‌توانند دوتا زن بگیرند (مفاد آیه از نظر مصاحبه شونده)

مشکل بعدی آن است که اگر مردها نمی‌توانند عدالت را رعایت کنند و ازدواج دوم برای همسر اول مصداق شکنجه است پس اگر سرپرست یتیم پنجاه ساله با همسر دوم بیست ساله یتیم ازدواج کرد، همسر اول باز هم شکنجه می‌بیند!

چطور بر اساس ملاک شما این سرپرستان یتیم می‌توانند چهار همسر داشته باشند؟!

خوب است به آیه توجه کنیم:

آیه سوم سوره مبارکه نساء می فرماید: «و اگر بیم آن دارید که درباره (ازدواج) با دختران یتیم قسط را رعایت نکنید از دیگر زنان آنچه برای شما پاک است دو یا سه یا چهار زن را به همسری در آورید...»

این عبارت صریح و روشن است و جای هیچ شک و سلیقه شخصی باقی نمی گذارد که دین مبین اسلام جواز تعدد همسر تا چهار مورد را صادر کرده است.

در ادامه می فرماید: «پس اگر بیم آن دارید که عدالت را رعایت نکنید به یک همسر و یا به آنچه مالک آنید (کنیزان) بسنده کنید که این راه نزدیک تر است به این که به عدالت رفتار کنید.»

تذکر: ۱- آنچه وظیفه سرپرستان یتیم است رعایت قسط است که مشکل تراز عدالت است.

۲- اکتیاع کنیز برای مردان به غیر از همسر (عقد دائم یا موقت) جایز است.

۳- مقصود از عدالت همانطور که توضیح داده شد عدالت در حدود وظایف شوهر یعنی نفقه و ... می باشد.

بنابر این آیه، تعدد زوجات مشروط به عدالت و محدود به چهار همسر و در غیر همسر به صورت کنیز بدون شرط عدالت و محدودیت جایز است.

بنابر علم فقه این قانون مسلم و بدیهی است که اجتهاد در برابر نص باطل است و همچنین ظهور آیه هم نزد اصولیون حجت شرعی است به همین جهت این گونه احکام موضوع تحقیق مجتهد واقع نمی شود

متن ۶ : *اما باید توجه کنید که این (تعدد زوجات) اصلاً به ما ها ربطی ندارد که بتوانیم دو، سه یا چهار تا زن بگیریم این تعدد زوجات مربوط به سرپرستان مال یتیمان است.*

نقد ۶ : سبک قرآن کریم چنین است که به مخاطب خاصی خطاب می کند ولی تکلیف متوجه همه مردم است مگر آن که دلیلی برای اختصاص باشد مثلاً به زنان حضرت رسول اکرم - صلی الله علیه وآله- دستور داده می شود ولی مقصود همه زنان مومن هستند و تکلیف برای همه آن ها است. یا مسلمانان اولیه مخاطب قرار می گیرند ولی تمام نسل های بعدی بشر مکلفند. سوال مهم این جاست که شما از کجای آیه اختصاص را فهمیدید؟ چه ویژگی در سرپرستان یتیمان ملاحظه شده که آن ها می توانند چهار زن بگیرند ولی بقیه نمی توانند؟

اما **فاجعه اجتهادهای شما** این جاست که ثابت شود این آیه اختصاص به سرپرستان یتیم دارد! زیرا در اصول فقه این امر مبرهن است که اصل بر برائت و اباحه است مگر آن که دلیل به تکلیف وجود داشته باشد. شما به خیال نجات، از چاله درآمدید و به چاه افتادید زیرا دلیل ما بر آن که مردان حق ندارند بیش از چهار زن بگیرند همین آیه است و اگر اختصاص به سرپرستان یتیم

داشته باشد یعنی دیگر مردان می توانند هرچند زن، نه چهارتا بلکه چهل زن داشته باشد و شرط عدالت هم برای سرپرستان است نه برای عموم مردان! اگر این احکام را در مقام وضعی هم ملاحظه کنیم مشکل باقی است زیرا برای سرپرستان یتیم، عقد، مقید به عدالت و محدود به چهارتاست اما این دو قید (عدالت و چهار عدد) برای عقود نکاح غیر سرپرستان وضع نشده و عقد بیش از چهار عدد آن ها صحیح است.

متن ۷ : ببینید دومی را گرفتید اولی باطل است چون در مقام حکم وضعی تعریف می شود نه حکم تکلیفی.

نقد ۷ : احکام الهی دو قسم است: ۱- تکلیفی (واجب، حرام، مستحب، مکروه، مباح) ۲- وضعی (صحیح یا باطل و فاسد)

ملاحظه آیه به جهت بیان احکام وضعی: ازدواج دوم و سوم و چهارم هرگز موجب ابطال ازدواج های ماقبل نمی شود بلکه فقط ازدواج پنجم باطل است و چهار عقد قبلی صحیح است.

اگر فرض کنیم مردی همسر دوم اختیار کرده است و نسبت به اولی یا دومی عدالت را رعایت نمی کند عقد هیچ کدام از عقد ها باطل نمی شود زیرا رعایت عدالت شرط صحت عقد نیست و هنوز این مرد زندگی را شروع نکرده است تا عدم عدالتش روشن شود.

مسئله: اگر مردی به چهار نفر وکالت دهد که هم زمان چهار زن را برایش عقد کنند و آن چهار زن راضی به ازدواج باشند، هر چهار عقد صحیح است و بر فرض اگر این مرد به هر چهار نفر هم ظلم کند و عدالت را رعایت نکند باز هم عقد صحیح است و هر کدام از آن ها می توانند حقوق خود را مطالبه کنند. اما اگر بگوییم باطل است یعنی شوهر هیچ تعهدی نسبت به هیچ کدام ندارد. اما به نظر ایشان «اگر دومی را گرفتید اولی باطل است» چنین می شود که زنی سی سال در عقد مردی بوده است و این مرد زن جدیدی می گیرد و به سبب عقد جدید، عقد زن اول باطل می شود و چون عقد باطل شده است شوهر هیچ تعهدی نسبت به زن اول ندارد زیرا ابطال عقد به معنای آن است که قراردادی و تعهدی در میان نیست! باید از این اجتهاد ها به خداوند پناه برد.

متن ۸ : *به خدا قسم اسلام غریب است متاسفانه با شهوات خودمان تفسیر به رای می کنیم و همین سبب پیدایش اشکالات می شود*

نقد ۸ : این مطلب کاملاً صحیح است متاسفانه با تفسیر های غلط، انکار ضروریات نموده، در برابر نص اجتهاد می کنیم و با این دوستی های خاله خرسه می خواهیم مسلمانان را نجات دهیم در حالی که وظیفه ما شناخت و کشف حقایق مجهول یا مصادیق جدید است نه این که دین جدید به سلیقه خود بسازیم

## **وظیفه تمام دانشمندان اسلام شناس این است که بر اساس دین، مردم را بسازند نه آن که دین را بر اساس خواست مردم بسازند**

نکته مهم که باید توجه کرد این است که اگر مردی می ترسد که به فساد و فحشاء بافتد، واجب است ازدواج کند و این امر (ترس از فساد و فحشاء) برای ازدواج های بعدی هم مطرح است.

وظیفه ما خصوصاً دولت و مجلس و خانواده ها فراهم نمودن زمینه و تسهیل ازدواج است؛ دین مقدس اسلام با ازدواج (دائم یا موقت) می خواهد از فساد جامعه و تباهی پسران و دختران جلوگیری کند و جواز طلاق یا تعدد زوجات به معنی آن نیست که افراد هوسران برای شهوت پرستی خود جولان دهند اما باید در نظر داشت که ما از جیب خود تدبیر نکنیم زیرا خداوند حکم مجموعه قوانین را با هم ملاحظه کرده است و ما با یومنون بعض و یکفرون بعض موفق نخواهیم شد، لازم است با اجرای همه قوانین و با درایت خصوصاً با تقویت تقوا و اخلاق، جوانان را به سازش و اکتفاء به یک همسر پرورش دهیم.

اما درباره غربت اسلام باید بسیار متاسف باشیم زیرا نه تنها دشمنان با دروغ هایشان آن را تخریب می کنند، مدعیان دوستی هم با کج فهمی و سلیقه ای کردن دین و قرائت های مختلف زمینه بی ایمانی را فراهم می نمایند.

جامعه شیعی که خود را علوی می پندارد، درباره ازدواج موقت که راه گشای جلوگیری از فحشاء برای جوانان و زنان بی سرپرست می باشد، عُمری فکر

می کند! در این مسئله نیز چنین است در حالی که تعدد زوجات جلوی بسیاری از فساد ها را می گیرد به جای اسلامی فکر کردن، مسیحی فکر می کنیم!

متن ۹ : اما موضوع تعدد زوجات بهانه ای به دست برخی داده تا تعدد زوجات را امری مذهبی توصیف کنند. تعدد زوجات در صدر اسلام برای مسائل شهوت رانی نبوده است بلکه تماماً ازدواج های سیاسی بوده است و از هر قبیله ای یک همسر اختیار می کردند آن هم به خاطر حمایت آن قبیله از ایشان. چون در عرب رسم است که هر کسی که از قبیله شان زن بگیرد از او حمایت می کنند. اگر پیامبر -صلی الله علیه وآله- این کار را نمی کرد همان اول شهید می شد. پیامبر برای حفظ جاننش از ۹ قبیله زن گرفت.

نقد ۹ : توجه دارید که «دفاع بد» خودش بدترین ضربه است به همین سبب ناچار هستیم توضیح بیشتری در باره ازدواج های حضرت رسول اکرم -صلی الله علیه و آله - و امامان معصوم -علیهم السلام- دهیم.

دشمنان داخلی و خارجی دین حق در طول تاریخ خصوصاً درباره آخرین پیامبر -صلی الله علیه و آله- پیرامون بسیاری از امور اعتراض نموده آن را با دروغ ها و تحریفاتشان، تحلیل وارونه کرده اند تا مردم را نسبت به دین اسلام بد بین کنند. مطلب مهم متن این است که به تعدد زوجات در صدر اسلام، اعتراف شده است؛ اما در خصوص پیامبر عظیم الشان اسلام مسئله متفاوت است زیرا ایشان جواز تعدد بیش از چهار زن را داشته اند.

برای آشنایی بیشتر با سیره معصومان به صورت خلاصه فهرست وضعیت همسران و اولاد آن‌ها را ارائه می‌کنیم تا درباره این مسئله قضاوت روشن‌تری داشته باشیم. تذکر این نکته لازم است که انگیزه باطنی معصومان برای ما روشن نیست و فقط ما می‌توانیم ظواهر تاریخی را که در این ازدواج‌ها رخ داده است، بیان کنیم پس قضاوت درباره فلسفه ازدواج‌ها برای ما ممکن نیست ولی آنچه از ظاهر این امور بر می‌آید قابل توجه است.

(۱) پیامبر اسلام -صلی الله علیه و آله-

ازدواج‌های ایشان هرگز منسوب به شهوت پرستی نمی‌شود زیرا در زمان جوانی تا ۲۵ سالگی در نهایت عفاف در جامعه فاسد و هرزه آن زمان زندگی می‌کرده و همه مردم او را به «امین» می‌شناختند و پس از ازدواج تا زمان بعثت در چهل سالگی بیشتر اوقات خود را در کوه نور برای مدت‌های طولانی به عبادت و مناجات با حق می‌گذراندند و پس از بعثت تا ۵۳ سالگی و فوت حضرت خدیجه که پانزده سال از او بزرگتر بود، همسری انتخاب نکرد و پس از آن هم وقتی به یاد ایشان می‌افتادند اشک می‌ریختند و از او تمجید می‌فرمودند (اگرچه این امر باعث ناراحتی برخی از زنان ایشان هم می‌شد) اما این که بگوییم تمام ازدواج‌ها سیاسی بوده و برای حمایت قبیله‌ای صورت گرفته است، باطل است زیرا پیامبر از آخرین سال حضور در مکه تا پایان عمر مبارکشان این همسران را به تدریج اختیار نمودند و برخی از آن قبایل تا آخر با پیامبر اسلام -صلی الله علیه و آله- جنگیدند مانند ام حبیبه، دختر ابوسفیان،

رئیس قبیله بنی امیه و برخی اصلاً در قبیله خود جایگاهی نداشتند تا آن قبیله از حضرت حمایت کند. همچنین گفته شده است که اگر حضرت رسول - صلی الله علیه و آله- چنین نمی کرد در همان اول کشته می شد در صورتی که می دانیم حمایت حضرت ابوطالب در مکه ایشان را حفظ فرمود و پس از وفات ایشان مشرکان قصد قتل حضرت را کردند و به این سبب حضرت رسول - صلی الله علیه و آله- هجرت نمود و از قبیله اوس و خزرج نیز همسری نگرفت بلکه آن ها به سبب ایمانشان از اسلام و پیامبر آن حمایت کردند.

### **نگاهی به ازدواج های متعدد پیامبر اسلام -صلی الله علیه و آله-**

نخستین زن پیامبر اسلام -صلی الله علیه و آله- که تا او زنده بود هرگز ایشان همسر دیگری نگرفتند، حضرت خدیجه -سلام الله علیها- بود و خداوند از ایشان دو پسر (قاسم و عبدالله) و چهار دختر (زینب-ام کلثوم-رقیه-حضرت فاطمه) را عنایت فرمود. حضرت خدیجه کبری جزء چهار زن برگزیده عالم هستند که عبارت اند از حضرات مریم، آسیه، خدیجه و حضرت فاطمه

پس از حضرت خدیجه ازدواج های حضرت رسول به این صورت بوده است:

۱- ازدواج با سوده؛ نخستین زن پس از وفات حضرت خدیجه و پیش از هجرت به مدینه، سوده دختر زمعه از مسلمانان اولیه و مهاجرین حبشه بود که چون بازگشتند شوهرش سکران ابن عمر در مکه از دنیا رفت و این زن در قبیله

بنی عامر که بیشتر آن ها مشرک بودند، تنها ماند. (ابن حجر در اصابة، مرگ او را در سال ۵۴ هجری نقل کرده است.)

۲- عایشه دختر ابوبکر: در سال اول هجرت در مدینه انجام شد، مقدمات ازدواج در مکه و عروسی در مدینه انجام شد در سن ۷۰ سالگی در سال ۵۸ هجری مرگش فرارسید.

۳- حفصه دختر عمر: در ماه شعبان سال دوم هجرت صورت گرفت، هفت ماه قبل از آن شوهرش خنیس بن حذافه در مدینه از دنیا رفته بود و عمر به ابوبکر و عثمان پیشنهاد ازدواج داد ولی آن ها نپذیرفتند.

این دو زن (عایشه و حفصه) همان دو نفری هستند که آیات سوره تحریم درباره آن هاست و در صحیح بخاری از قول ابن عباس از خلیفه دوم آمده است آن ها راز پیامبر را افشاء کردند و خداوند آن ها را امر به توبه کرد و تهدید فرمود که اگر توبه نکنند و پیامبر آن ها را طلاق دهد، خداوند همسران بهتر از آن ها به او عطا می کند.

۴ - زینب بنت خزیمه: زینب همسر عبیده بن حارث بن عبدالمطلب جد پیامبر اسلام بود و شوهرش که عمو زاده پیامبر می شد در جنگ بدر به شهادت رسید به سبب سخاوت و نگهداری از بینوایان، ام المساکین نامیده می شد و در همان سال چهارم هجرت دو ماه پس از ازدواج با پیامبر-صلی الله علیه و آله- از دنیا رفت.

۵- ام سلمه (هند بنت ابی امیه مخزومی): زنی سالخورده که دو فرزندش شهید و دو فرزند یتیم داشت و شوهرش در احد به شهادت رسید و این ازدواج پس از فوت زینب بوده است. او کسی است که عایشه را از جنگ با حضرت امیر -علیه السلام- نهی کرد و به نفع حضرت زهرا -سلام الله علیها- به نزد ابوبکر رفت و درباره فدک شهادت داد و به همین سبب یکسال حقوق او را از بیت المال قطع کردند. ایشان امین ودایع حضرت رسول اکرم، امیر المومنین، امام حسن و امام حسین -علیهم السلام- بودند، در سال ۶۲ هجری پس از مراجعت کاروان اهل بیت از شام، وفات یافت.

۶- ازدواج با زینب بنت جحش (همسر زید بن حارثه پسر خوانده پیامبر) در سال پنجم بعد از هجرت انجام شد. زید دومین مردی است که به پیامبر اسلام -صلی الله علیه وآله- ایمان آورد و آزاد شده رسول خدا بود و حضرت او را پسر خود خواند و مردم مکه او را «پسر محمد» می نامیدند.

زینب از طرف مادر، عمه زاده پیامبر -صلی الله علیه و آله- بود و زید چند بار می خواست او را طلاق گوید ولی پیامبر -صلی الله علیه و آله- وساطت می کردند تا بالاخره سازش صورت نگرفت و سرانجام زید او را طلاق داد. حضرت رسول پس از مدتی بر خلاف سنت جاهلی که این ازدواج را حرام می دانستند، با او ازدواج کرد.

۷- ام حبیبه دختر ابوسفیان: او چند سال پیش از هجرت در مکه مسلمان شده بود و به اتفاق شوهرش عبدالله بن جحش به حبشه مهاجرت کرد و در آن جا

شوهرش پس از ارتداد از اسلام فوت کرد. حضرت با ارسال نامه ای به نجاشی، پادشاه حبشه و به وسیله او از ام حبیبه خواستگاری کرد و مدتی طول کشید تا او به مدینه آمد و به سبب این خواستگاری از سرشکستگی و غصه ای که در غربت داشت نجات یافت.

۸- جویریة دختر حارث بن ابی ضرار (رئیس قبیله بنی المصطلق) در سال ششم هجری در میان اسیران بود. حضرت پس از اطلاع او را از کسی که اسیرش کرده بود، خریداری کرد و آزادش ساخت و او را به عقد خود در آورد و به سبب این ازدواج مسلمانان اسیران بنی المصطلق را آزاد کردند و گفتند آن ها فامیل پیامبرند و سزاوار نیست که در دست ما اسیر باشند.

۹- صفیه دختر حیی بن اخطب یهودی که پدرش در جنگ بنی قریظه و شوهرش کنانه بن ربیع در جنگ خیبر کشته شدند و حضرت او را آزاد کرد و به عقد خود درآورد.

۱۰- میمونه دختر حارث بن حزن (خواهر زن عباس بن عبدالمطلب) - این دو مورد در سال هفتم انجام شد-

۱۱- ماریه کنیزی که مقوقس فرماندار مصر به پیامبر -صلی الله علیه و آله- هدیه کرد و خداوند ابراهیم را از او به ایشان عنایت فرمود و در ردیف همسران پیامبر -صلی الله علیه و آله- درآمد.

تذکر

حضرت عبدالله بن عبدالمطلب، پدر حضرت رسول تک همسر بودند

حضرت رسول اکرم -صلی الله علیه و آله- تا زمان فوت حضرت خدیجه تک همسر بودند

حضرت ابوطالب پدر حضرت امیر -علیه السلام- یک همسر داشت

حضرت علی -علیه السلام- تا زمان شهادت حضرت زهراء -سلام الله علیها- یک همسر داشتند

در مجموع به غیر از عایشه که دختری عقیم بود باقی زنان پیامبر، بیوه زنان بودند که سرپرستی نداشتند و یا از اسراء و کنیزان بودند همچنین امامان معصوم -علیهم السلام- دارای همسران متعدد و کنیزانی (ام ولد) بوده اند و سیره مستمر ایشان و صحابه پیامبر و صحابه ائمه نشان می دهد که از مصالح عالیة اسلام، کثرت اولاد و سرپرستی زنان بیوه بوده است و آن چه در اسلام زشت شمرده می شود، مرد بدون همسر و زن بدون شوهر بوده است.

نگاهی اجمالی به همسران و فرزندان امامان معصوم -علیهم السلام-

۱- امیر المومنین -علیه السلام- :

۱- امام حسن ۲- امام حسین ۳- زینب کبری (عقیله بنی هاشم) ۴- زینب صغری (ام کلثوم) از حضرت فاطمه -سلام الله علیها- (محسن فرزندی بود که

قبل از تولد به سبب حوادث مشهور به شهادت رسید) ۵-محمد (ابوالقاسم) از خوله حنفیه دختر جعفر بن قیس در زمان حکومت عمر بن الخطاب متولد شد و در ایام عبدالملک بن مروان در سن ۶۵ وفات کرد. شیعیان کیسانیه پیرو او هستند ۷۶-عمر و رقیه دوقلو از ام حبیب دختر ربیعہ ۸و۹و۱۰و۱۱-عباس و جعفر و عثمان و عبدالله (شهیدان در کربلا) از ام البنین ۱۲و۱۳-محمد اصغر و عبدالله (ابوبکر) هر دو از شهدای کربلا، مادرشان لیلی بنت مسعود دارمیه ۱۴-یحیی، مادر او اسماء بنت عمیس ۱۵و۱۶- ام الحسن و رمله از ام سعید ...

۲- امام حسن -علیه السلام- :

سه فرزند از ام بشیر دختر ابی مسعود عقبه خزرچی، حسن مثنی از خوله دختر منظر فزاریه، عمر و قاسم و عبدالله مادرشان ام ولد، عبدالرحمن مادرشان ام ولد، حسین اثرم - طلحه و فاطمه از ام اسحاق دختر طلحة بن عبدالله تیمی، چهار دختر هر یک از چهار مادر مختلف، جعده دختر اشعث بن قیس که فرزندی نداشت و قاتل حضرت می باشد.

۳- امام حسین -علیه السلام- : (شش فرزند، چهار پسر و دو دختر)

حضرت علی اکبر (سجاد) از شهر بانو دختر یزدگرد، علی اصغر (معروف به علی اکبر) از لیلی دختر ابو مره بن عروه بن مسعود ثقفی، جعفر از زنی از قبیله قضاعه در که زمان حیات پدر از دنیا رفت، عبدالله (که در کربلا به

شهادت رسید) و سکینه از رباب دختر امرء القیس و فاطمه مادر او ام اسحاق دختر طلحه بن عبدالله تیمیه. ابن شهر آشوب می گوید: (۹ فرزند) محمد و علی اصغر و زینب را بر این شش نفر اضافه کرده است.

۴- امام سجاد -علیه السلام- : (۱۵ فرزند)

حضرت باقر از ام عبدالله دختر امام حسن -علیهم السلام- تنها همسر عقدی امام، عبدالله و حسن و حسین از ام ولد، زید و عمر از ام ولد، حسین اصغر و عبدالرحمن و سلیمان از ام ولد، علی و خدیجه از ام ولد، محمد اصغر از ام ولد، فاطمه و علی و ام کلثوم از ام ولد.

۵- امام باقر -علیه السلام- (۷ فرزند)

حضرت صادق و عبدالله از ام فروة بنت قاسم بن محمد بن ابی بکر، ابراهیم و عبدالله از ام حکیم که در زمان امام فوت کردند، علی و زینب و ام سلمه از ام ولد.

۶- امام صادق -علیه السلام- (۱۰ فرزند)

اسماعیل و عبدالله و ام فروة از فاطمه بنت حسین بن علی، حضرت کاظم و اسحاق و محمد از ام ولد، عباس و علی و فاطمه و اسماء که هر کدام از ام ولد های مختلف متولد شدند.

۷- امام کاظم -علیه السلام- (۳۷ فرزند)

۸- امام رضا -علیه السلام- یک پسر (و یک دختر)

۹- امام جواد -علیه السلام-

حضرت هادی و ابو احمد موسی مبرقع و ابو احمد حسین و ابو موسی عمران (مادر حضرت هادی، سمانه) ، فاطمه و خدیجه و ام کلثوم و حکیمه از ام ولدی به نام سمانه مغربیه (زینب و ام محمد و میمونه را نیز از یرای آن حضرت نام برده اند) امام جواد از ام فضل دختر مامون فرزندی نداشت و او قاتل امام است.

۱۰- امام هادی -علیه السلام- (پنج فرزند)

۱۱- امام حسن عسکری -علیه السلام- (یک فرزند)

1- صاحب جواهر می فرماید: به غیر از فرقه شیعیه زیدیه که قائلند در عقد دائم مرد می تواند ۹ زن داشته باشد، اجماع مسلمانان بلکه ضرورت دین اسلام در عقد دائم، چهار زن می باشد و بیش از آن برایش حرام است البته باید توجه داشت که در عقد غیر دائم و کنیزان محدودیتی نیست همچنین پیامبر -صلی الله علیه و آله- پس از نزول این آیه به قیس ابن حرث که هشت زن داشت فرمان داد چهار زن را طلاق دهد برای اطلاعات بیشتر می توانید به

روایات کتاب نکاح ابواب ما یحرم باستیفاء العدد ج ۱۴ وسائل الشیعه ۲۰  
جلدی مراجعه کنید.

حامد وفسی